

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

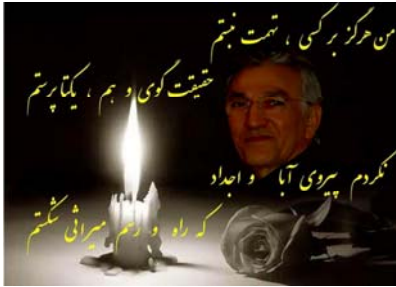
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۷ جون ۲۰۲۱



به پاسخ سروده محترم "مسعود حداد" که با بزرگواری لطف فرموده چنین نوشته اند:

از تیغ نقدت، شاعر فرخنده کیش
روح پریشان میشود، دل ریش ریش
کلبه ات پرنور باد گفتم، بد است؟
بسترت با حور باد گفتم، بد است؟
کی نمودم پتره از مس، جای تو؟
کی شکستم، شیشه دل های تو؟
به بت های تو من کاری ندارم
زایشان هیچ انتظاری ندارم
مرا بگذار که حال من پریش است
دلم از دست سیمین ریش ریش است
ایا گردون دو چندان ساز توانم
که سیمین را به خر چپه بشانم

"حداد"

و اینهم به پاسخ شان

نور کاذب

به سرت قسم که تقدم طرفت گذر ندارد
به دل و به جسم و روحت بخدا ضرر ندارد
نفرست، نور کاذب، منمای، حور جاذب
بسی بستر خیالم، هوس دگر ندارد
به شکست شیشه دل، زنی پتره هائی از گل
مس پر ز زنگ و رنگت، اگر و مگر ندارد
ز بُت و ز نور و نارش، چه عجب به ناز گوئی
تلفون ارتباطش شب و هم سحر ندارد
بلی، آنچه گفته بودی، شدی باورم که باتو
چت و تلفون دارد، که کسی خبر ندارد
ز چه رو دل پریشنت، ز هوای خاله سیمین
گهی ریش ریش و گاهی نمک و شکر ندارد

نورِ کاذب

به سرت قسم که تقدم ، طرفت گذر ندارد
به دل و به جسم و روح ، بخدا ضرر ندارد
نفرست ، نورِ کاذب ، منمای ، حورِ جاذب
بسی بستبرِ خیالم ، هوسِ دگر ندارد
به شکستِ شیشهء دل ، زنی پتره های از گل
مس پر ز زنگ و رنگت ، اگر و مگر ندارد
ز بُت و ز نور و نارش ، چه عجب به نازگویی
تلفیظون ارتباطش شب و ، هم محسّر ندارد
بلی ، آنچه گفته بودی ، شدی باورم که با تو
چت و تلفیظون دارد ، که کسی خبر ندارد
ز چه رو دلِ پریش ، ز هوای خاله سیمین
کمی ریش ریش و کاهی نمک و شکر ندارد
ز حدیث خر سواری ، چپه سوار و هم دوپشته
تو بدان که خاله سیمین ، هوسِ چکر ندارد